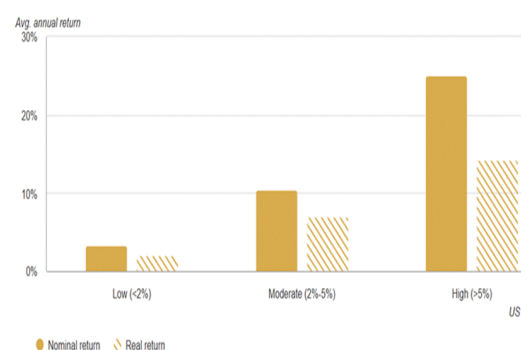




Gold nominal and real returns in US dollars as a function of annual inflation*



شماره چهاردهم - پاییز ۱۴۰۵

در این شماره می‌خوانیم

« طلا: دارایی‌ای با بازدهی پایدار بالاتر از تورم

« واگرایی میان فدرال رزرو با خزانه داری

« وضعیت رشد تورمی در اقتصاد آمریکا

« چرا طلا یک دارایی راهبردی محسوب می‌شود؟

« و...»



صاحب امتیاز: cyclicalwaves

هیات تحریریه:

علی شریف آزاد

امین طاهر زاده

دکتر پیام نیک کام

(مدرس بازارهای مالی)

علی فریادرس

محمد جواد آقازاده

امیرحسین آقاپور

(تحلیل گر و معامله گر فارکس)

صفحه آرا: سعیده عباسی



نشانی: کرج، عظیمیه، بلوار اقااقیا، جنب
میدان بعثت، ساختمان آرنیا، طبقه ۵
واحد ۱۶

نشانی اینترنتی: www.cycfx.com

پست الکترونیک: Info@cycfx.com

واتساپ و تلگرام: ۰۹۹۲۸۰۰۶۰۰۲

ماهنامه فارکس Cyclicalwaves

در دنیای مالی و اقتصادی امروز، تحلیل و پیش‌بینی روندهای بازار به یکی از چالش‌های اساسی برای سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران تبدیل شده است. بازارهای مالی به‌ویژه بازار فارکس، با نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی خود، نیازمند رویکردهای تحلیلی عمیق و دقیق هستند. در این راستا، ماهنامه فارکسی Cyclicalwaves به‌عنوان یک منبع معتبر و تخصصی، تلاش دارد تا با ارائه تحلیل‌های جامع و مبتنی بر داده‌های واقعی، به خوانندگان خود در درک بهتر و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر کمک کند.

Cyclicalwaves به بررسی الگوهای چرخه‌ای در بازار فارکس می‌پردازد. این الگوها نه تنها به شناسایی روندهای گذشته کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به پیش‌بینی حرکات آینده نیز بپردازند. در این ماهنامه، ما به بررسی اصول تحلیل تکنیکال و بنیادی، روانشناسی بازار، و تأثیرات اقتصادی بر نوسانات ارزشها خواهیم پرداخت. هدف ما این است که با ارائه مطالب علمی و عملی، درک عمیق‌تری از بازار فارکس برای خوانندگان فراهم کنیم.



فهرست

۲

طلا؛ دارایی با بازدهی پایدار بالاتر از تورم

۳

واگرایی میان فدرال رزرو با خزانه داری

۴

وضعیت رشد تورمی در اقتصاد آمریکا

۶

چرا طلا یک دارایی راهبردی محسوب می شود؟

۸

بخش تحلیلی

با افتخار، شماره چهاردهمین مجله تخصصی ژئوپلیتیک و فارکس CYCFX را به شما خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم. این شماره با تحلیل های دقیق و جامع به بررسی مهم ترین رویدادهای ژئوپلیتیک و اقتصادی جهان می پردازد که تأثیر مستقیم بر بازارهای مالی و ارزی دارند. در جهانی که تصمیمات سیاسی و اقتصادی می توانند در یک لحظه بازارهای جهانی را دگرگون کنند، درک عمیق تر این عوامل کلیدی امری ضروری است. این شماره با هدف ارائه بینش های کاربردی و استراتژیک، شما را دعوت می کند تا با نگاهی دقیق تر، به تأثیرات این تحولات بر آینده سرمایه گذاری و تجارت خود بپردازید.



امیدواریم مطالب این شماره بتواند ابزار ارزشمندی برای تصمیم گیری های مالی و اقتصادی شما باشد. پس با ما همراه شوید و به دنیای ژئوپلیتیک و فارکس از زاویه ای تازه نگاه کنید.



طلا؛ دارایی‌ای با بازدهی پایدار بالاتر از تورم

تورم همواره یکی از مهم‌ترین تهدیدها برای حفظ قدرت خرید سرمایه‌گذاران بوده است. افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها، به‌ویژه در دوره‌های

بی‌ثباتی اقتصادی و انبساط پولی، می‌تواند ارزش واقعی دارایی‌های مالی را به‌شدت کاهش دهد. در چنین شرایطی، طلا به‌طور تاریخی به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارها برای مقابله با تورم شناخته شده است؛ دارایی‌ای که نه‌تنها قدرت خرید سرمایه را حفظ کرده، بلکه در بسیاری از دوره‌ها بازدهی واقعی بالاتر از تورم ایجاد کرده است. داده‌های بلندمدت به‌وضوح این نقش را تأیید می‌کنند. از سال ۱۹۷۱ و پس از فروپاشی نظام استاندارد طلا، قیمت

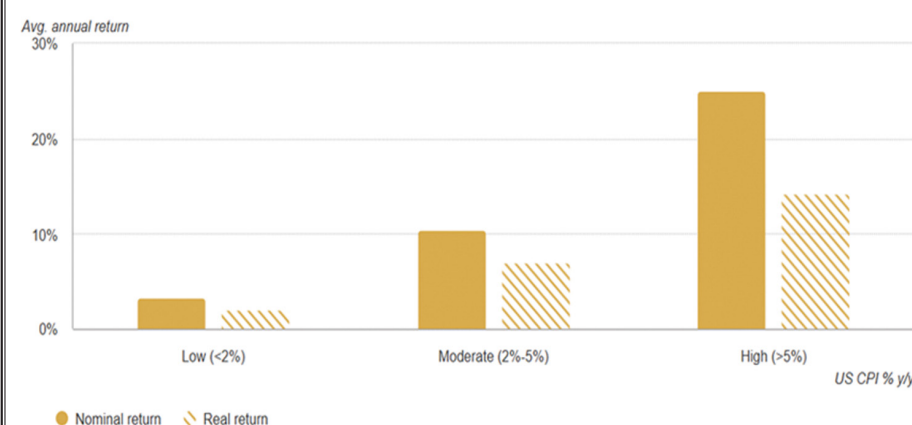
طلا به‌طور معناداری از شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده در ایالات متحده آمریکا و در سطح جهانی پیشی گرفته است. این نکته حائز اهمیت است، زیرا پس از ۱۹۷۱ نظام پولی جهانی وارد دورهای شد که در آن ارزها دیگر پشتوانه کالایی نداشتند و تورم به پدیده‌ای ساختاری‌تر تبدیل شد. در چنین محیطی، طلا توانست خود را به‌عنوان دارایی‌ای معرفی کند که بازده آن در بلندمدت فراتر از افزایش سطح قیمت‌ها حرکت می‌کند.

نقش طلا در دوره‌های تورم متوسط به‌ویژه قابل توجه است. در سال‌هایی که نرخ تورم در بازه ۲ تا ۵ درصد قرار داشته، قیمت طلا به‌طور متوسط سالانه حدود ۱۰ درصد رشد کرده است. این بدان معناست که طلا نه‌تنها اثر تورم را خنثی کرده، بلکه بازدهی واقعی قابل توجهی نیز برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرده است. اهمیت این موضوع در آن است که بخش بزرگی از چرخه‌های اقتصادی در همین محدوده تورمی رخ می‌دهند؛ یعنی زمانی که تورم نه خیلی زیاد است و نه ناچیز، اما به‌تدریج قدرت خرید دارایی‌های نقدی و درآمد ثابت را تضعیف می‌کند.

با افزایش شدت تورم، عملکرد طلا حتی بهتر هم می‌شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که در دوره‌هایی با تورم بالا، رشد قیمت طلا شتاب بیشتری می‌گیرد. دلیل این رفتار را می‌توان در ماهیت پولی طلا جست‌وجو کرد. هنگامی که اعتماد به ارزهای رایج کاهش می‌یابد و سیاست‌های پولی انبساطی ارزش پول را تضعیف می‌کند، طلا به‌عنوان دارایی‌ای کمیاب، غیرقابل خلق و مستقل از نظام بدهی، به گزینه‌ای جذاب برای حفظ ارزش

تبدیل می‌شود. در نتیجه، تقاضا برای طلا افزایش یافته و قیمت آن با سرعتی بیش از تورم رشد می‌کند. نکته مهم دیگر آن است که طلا صرفاً ابزاری برای مقابله با تورم نیست، بلکه در برابر ریسک‌های ضدتورمی و حتی رکودهای تورمی نیز کارکرد محافظتی دارد. در شرایطی که تورم کاهش می‌یابد یا اقتصاد وارد فاز رکود می‌شود،

Gold nominal and real returns in US dollars as a function of annual inflation*



سیاست‌های پولی معمولاً به سمت کاهش نرخ بهره و تزریق نقدینگی حرکت می‌کنند؛ سیاست‌هایی که در بلندمدت از قیمت طلا حمایت می‌کنند چرا که سرمایه‌گذاران به این نتیجه می‌رسند که بزودی سیاست‌های تسهیل مالی و پولی گسترده‌ای آغاز شده و بزودی از ارزش پولهای سنتی باز هم کاسته خواهد شد. به این ترتیب، طلا می‌تواند هم در محیط‌های تورمی و هم در محیط‌های ضدتورمی، نقشی تثبیت‌کننده در سبد دارایی ایفا کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که طلا در بلندمدت صرفاً یک ابزار حفظ سرمایه نبوده، بلکه یک منبع رشد واقعی ثروت محسوب می‌شود. پیشی گرفتن بازده طلا از شاخص‌های تورم جهانی نشان می‌دهد که این فلز گرانبها توانسته است قدرت خرید سرمایه‌گذاران را نه‌تنها حفظ، بلکه افزایش دهد. همین ویژگی است که طلا را به یکی از محدود دارایی‌هایی تبدیل کرده که می‌تواند در برابر فرسایش تدریجی ناشی از تورم، سپری مؤثر و پایدار فراهم کند.

واگرایی میان فدرال رزرو با خزانه داری: فدرال رزرو علیه تورم،

خزانه داری علیه اختلال بازار اوراق

رزرو بخواهد شرایط مالی را از طریق نرخ‌های بالا سخت نگه دارد، خزانه داری می‌تواند هم‌زمان در بخش بلندمدت منحنی نوعی حمایت ایجاد کند.

اما آیا این واقعاً «محرک مالی» است؟ تا حدی بله، اما با یک نکته مهم. بازخرید اوراق به خودی خود مانند افزایش مخارج دولت یا کاهش مالیات، محرک مالی کلاسیک نیست. هدف رسمی آن مدیریت نقدشوندگی و ساختار بدهی است. با این حال، اگر بازخرید اوراق بلندمدت با انتشار اوراق کوتاه‌مدت جایگزین شود، ترکیب بدهی دولت تغییر می‌کند و فشار تأمین مالی بلندمدت کاهش می‌یابد. برخی تحلیل‌ها نیز نشان می‌دهند که در شرایط فعلی، بازخرید اوراق بلندمدت می‌تواند در حاشیه با انتشار اسناد خزانه کوتاه‌مدت همراه شود.

از دید بازار، نتیجه مهم‌تر از برچسب «QE» یا «محرک مالی» است: فدرال رزرو می‌تواند بخش کوتاه منحنی را محدود کند، در حالی که خزانه داری تلاش می‌کند بخش بلند منحنی را آرام کند. این وضعیت می‌تواند به نوعی افزایش تفاوت نرخ‌های بازده میان اوراق قرضه کوتاه مدت با بلندمدت منجر شود؛ یعنی نرخ‌های کوتاه‌مدت بالا بمانند، اما فشار صعودی بر نرخ‌های بلندمدت کاهش پیدا کند. بنابراین، تضاد اصلی الزاماً میان فدرال رزرو با خزانه داری نیست؛ بلکه میان انقباض پولی و مدیریت فعال ساختار بدهی دولت است. وارث می‌خواهد اعتبار ضدتورمی فدرال رزرو را حفظ کند، در حالی که خزانه داری می‌خواهد از بازار اوراق در برابر بی‌نظمی و جهش بیش از حد بازده‌های بلندمدت محافظت کند. برای معامله‌گران، این شکاف بسیار مهم است: اوراق قرضه دو ساله بیشتر به وارث نگاه می‌کند در حالی که اوراق قرضه ۱۰ و ۳۰ ساله بیشتر به پسند. همین واگرایی می‌تواند یکی از مهم‌ترین محرک‌های منحنی بازده آمریکا در ماه‌های آینده باشد.

اقتصاد آمریکا اکنون با یک تضاد مهم در سیاست‌گذاری مواجه است: فدرال رزرو در حال تأکید بر انضباط پولی و مهار تورم است، در حالی که وزارت خزانه داری هم‌زمان تلاش می‌کند با بازخرید اوراق قدیمی و کم‌نقدشونده، بازار اوراق دولتی را حمایت کند. این دو سیاست لزوماً متناقض نیستند، اما اثرات آنها بر منحنی بازده، نقدینگی و شرایط مالی می‌تواند در جهت‌های متفاوتی حرکت کند.

کوین وارث، رئیس جدید فدرال رزرو، در سخنرانی جکسون هول تأکید کرد که تورم هنوز مسئله‌ای حل شده نیست و فدرال رزرو نمی‌تواند اجازه دهد انتظارات تورمی از هدف ۲ درصدی فاصله بگیرد. پیام اصلی او این بود که اگر روند کاهش تورم به اندازه کافی قانع کننده نباشد، سیاست پولی باید همچنان محدودکننده باقی بماند و حتی افزایش نرخ بهره نیز روی میز باشد. از منظر بازار، این یعنی فشار بر بخش کوتاه منحنی بازده. اگر نرخ سیاستی بالا بماند یا افزایش پیدا کند، بازده اوراق دوساله و ابزارهای حساس به نرخ فدرال رزرو مستعد افزایش هستند. در واقع، پس از سخنان وارث، بازار احتمال افزایش نرخ در سپتامبر را افزایش داد و بازده اوراق دوساله نیز واکنش صعودی نشان داد.

اما در سمت دیگر، خزانه داری آمریکا با مشکل متفاوتی مواجه است: بازار اوراق بلندمدت با کمبود نقدشوندگی و فشار عرضه مواجه شده است. وزارت خزانه داری اعلام کرده که از ۹ سپتامبر اندازه عملیات بازخرید اوراق ۱۰ تا ۲۰ ساله و ۳۰ ساله را حداقل از ۲ میلیارد دلار به ۴ میلیارد دلار در هر عملیات افزایش می‌دهد. هدف رسمی این برنامه، حمایت از نقدشوندگی بازار است.

اینجاست که مفهوم «دو مسیر» اهمیت پیدا می‌کند. خزانه داری با خرید اوراق قدیمی‌تر از بازار، تقاضای مصنوعی در بخش بلندمدت منحنی ایجاد می‌کند. وقتی دولت اوراق موجود را از دست سرمایه‌گذاران خارج می‌کند، عرضه اوراق قدیمی و کم‌نقدشونده کاهش می‌یابد؛ قیمت آنها می‌تواند افزایش یابد و در نتیجه بازده بلندمدت تحت فشار نزولی قرار گیرد. بنابراین، حتی اگر فدرال

وضعیت رشد تورمی در اقتصاد آمریکا

داده‌های اقتصادی اخیر آمریکا به‌طور فزاینده‌ای روایت ورود اقتصاد به یک دوره معنادار از کندی رشد را به چالش می‌کشند. مجموعه داده‌های مربوط به اشتغال و نظرسنجی‌های کسب‌وکارها نشان می‌دهد که اقتصاد آمریکا همچنان در مسیر توسعه قرار دارد و بخش خدمات، به‌ویژه، از مومنتوم قدرتمندی برخوردار است. مشکل اینجاست که این تاب‌آوری اقتصادی دقیقاً در زمانی اتفاق

می‌افتد که تورم در حال دریافت یک محرک جدید است: قیمت انرژی، مواد غذایی و هزینه‌های حمل‌ونقل افزایش یافته‌اند و شوک ژئوپلیتیکی ناشی از بحران تنگه هرمز نیز می‌تواند موج جدیدی از فشارهای قیمتی ایجاد کند.

گزارش اشتغال ماه اوت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. اقتصاد آمریکا ۱۶۲ هزار شغل غیرکشاورزی ایجاد کرد که به‌مراتب بالاتر از انتظار بازار بود، در حالی که نرخ بیکاری در ۴.۱ درصد باقی ماند. همچنین آمار ماه‌های قبل در مجموع ۵۵ هزار شغل بیشتر از برآوردهای قبلی ثبت کردند. این گزارش نشان داد که بازار کار آمریکا بسیار مقاوم‌تر از آن چیزی است که سرمایه‌گذاران انتظار داشتند.

داده‌های شاخص مدیران خرید یا PMI نیز تصویر اقتصادی مشابهی ارائه می‌کنند. شاخص ISM بخش خدمات در ماه اوت از ۵۴.۱ به ۵۵.۴ افزایش یافت و بالاتر از پیش‌بینی بازار قرار گرفت. سفارش‌های جدید نیز به بالاترین سطح خود در ۳.۵ سال گذشته رسید که نشان‌دهنده قدرت تقاضای بنیادی در اقتصاد است. بخش تولید نیز همچنان در محدوده انبساط قرار دارد و نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی صرفاً به بخش خدمات محدود نشده است.

مجموع این داده‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد آمریکا همچنان از مومنتوم قابل توجهی برخوردار است. تقاضا در بخش خدمات قدرتمند است، بخش تولید بالاتر از مرز ۵۰ باقی مانده، اشتغال

مجدداً شتاب گرفته و نرخ بیکاری همچنان پایین است. بنابراین اقتصاد آمریکا ظاهراً توانایی ادامه رشد را حتی در شرایط نرخ‌های بهره بالا و افزایش نااطمینانی ژئوپلیتیکی دارد. اما همین تاب‌آوری اقتصادی، یک مشکل مهم برای سیاست پولی ایجاد می‌کند: چشم‌انداز تورم در حال بدتر شدن است.

پویایی تورم حتی پیش از تشدید شوک انرژی نیز چندان مطلوب نبود. اکنون بحران تنگه هرمز یک محرک بالقوه قدرتمند دیگر به تورم اضافه کرده است. قیمت نفت در واکنش به احتمال تداوم اختلال در جریان انتقال انرژی از خلیج فارس افزایش یافته است. افزایش هزینه سوخت، حمل‌ونقل و لجستیک می‌تواند در نهایت به افزایش قیمت مواد غذایی و سایر کالاهای مصرفی منتقل شود. در آخرین داده‌های ISM، شاخص قیمت‌های پرداخت‌شده توسط شرکت‌های خدماتی نیز به ۷۲.۶ رسید که بیانگر فشار قابل توجه هزینه‌های ورودی است.

پیامدهای این شوک بسیار فراتر از قیمت بنزین است. افزایش قیمت نفت هزینه دیزل، حمل‌ونقل، کشاورزی، تولید و توزیع را بالا می‌برد. مواد غذایی نیز به‌طور ویژه در معرض این فشار قرار دارند، زیرا تقریباً تمام مراحل زنجیره تأمین مواد غذایی به انرژی وابسته است. بنابراین یک شوک انرژی می‌تواند در کل اقتصاد منتشر شود و به افزایش گسترده‌تر قیمت کالاها منجر شود.





در نتیجه، فدرال رزرو در موقعیت دشوارتری قرار گرفته است. داده‌های ورودی ترکیب ایده‌آل «رشد ضعیف و کاهش تورم» را که می‌توانست توجیه‌کننده کاهش تهاجمی نرخ بهره باشد، ارائه نمی‌کنند. در عوض، اقتصاد آمریکا با فعالیت اقتصادی قدرتمند در کنار فشارهای مجدد هزینه‌ای مواجه است.

اثر بر بازارهای مالی

برای بازارهای مالی، پیامدهای این وضعیت بسیار مهم است.

اوراق خزانه آمریکا

نخستین پیامد مستقیم، فشار نزولی بر قیمت اوراق و صعود بازدهی‌هاست. بازار کار قدرتمند، ضرورت کاهش سریع نرخ بهره را کاهش می‌دهد و افزایش قیمت انرژی نیز احتمال ماندگاری تورم را بیشتر می‌کند. گزارش اشتغال ماه اوت همین حالا نیز بازدهی اوراق دوساله خزانه را افزایش داده و انتظارات بازار برای نرخ بهره در ماه سپتامبر را تغییر داده است. اگر گزارشهای CPI و PPI نیز فشارهای قیمتی مجدد را تأیید کنند، بخش کوتاه‌مدت منحنی بازدهی می‌تواند تحت فشار بیشتری قرار گیرد.

دلار آمریکا

ترکیب رشد اقتصادی قدرتمندتر، بازدهی بالاتر اوراق خزانه و احتمال موضع انقباضی‌تر فدرال رزرو، از نظر بنیادی برای دلار مثبت است. شوک ژئوپلیتیکی نیز از کانال تقاضای دارایی امن می‌تواند تقاضا برای دلار را افزایش دهد. بنابراین سناریوی صعودی دلار زمانی تقویت می‌شود که داده‌های تورمی بالاتر از انتظار منتشر شوند و همزمان تاب‌آوری اقتصاد آمریکا ادامه پیدا کند.

سهام آمریکا

تصویر در این بخش پیچیده‌تر است. رشد اقتصادی و اشتغال قوی برای درآمد شرکت‌ها مثبت است، اما افزایش قیمت نفت و بازدهی اوراق، هم نرخ تنزیل را افزایش می‌دهد و هم هزینه‌های عملیاتی شرکت‌ها را بالا می‌برد. این وضعیت به‌خصوص برای سهام رشد-محور و شرکت‌های تکنولوژی منفی است. افزایش بازدهی اوراق و قیمت نفت می‌تواند فشار بیشتری بر شاخص‌هایی مانند نزدک وارد کند.

نفت

تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین متغیر ژئوپلیتیکی بازار انرژی است. تداوم اختلال در این مسیر می‌تواند صرف ریسک قابل توجهی را در قیمت نفت حفظ کند و آنچه در ابتدا یک شوک موقت انرژی به نظر می‌رسد را به یک چرخه تورمی گسترده‌تر تبدیل کند.

طلا

طلا در محیط فعلی با دو نیروی متضاد مواجه است. ریسک ژئوپلیتیکی و تورم از تقاضا برای طلا حمایت می‌کنند، اما افزایش بازدهی واقعی اوراق و تقویت دلار، موانع مهمی برای آن هستند. بنابراین طلا می‌تواند همچنان بسیار پرنوسان باشد: تشدید بحران هرمز از معاملات پناهگاه امن حمایت می‌کند، در حالی که داده‌های تورمی بالاتر از انتظار و افزایش بازدهی خزانه‌داری می‌تواند در کوتاه‌مدت این حمایت را تحت الشعاع قرار دهد. تصویر کلان در حال شکل‌گیری الزاماً رکودی نیست؛ بلکه می‌تواند تورمی و در عین حال مقاوم از منظر رشد اقتصادی باشد. اقتصاد آمریکا ممکن است به رشد خود ادامه دهد، اما هزینه این تاب‌آوری می‌تواند آن باشد که فدرال رزرو مجبور شود سیاست پولی انقباضی خود را برای مدت طولانی‌تری حفظ کند.

معادله کلیدی بازار اکنون به تدریج روشن‌تر می‌شود:

رشد قوی‌تر + اشتغال قوی‌تر + قیمت نفت بالاتر + افزایش هزینه‌های ورودی = نرخ بهره بالاتر برای مدت طولانی‌تر.

اگر این معادله تداوم پیدا کند، برندگان اصلی در کوتاه‌مدت احتمالاً دلار آمریکا و اوراق کوتاه‌مدت خواهند بود، در حالی که مهم‌ترین نقاط فشار، اوراق بلندمدت خزانه و سهام حساس به نرخ بهره خواهند بود.

بنابراین محرک بعدی بازار، داده‌های تورمی خواهد بود. گزارشهای تورمی بالاتر از انتظار، تفسیر هاوکیش از اقتصاد آمریکا را تقویت خواهند کرد، در حالی که یک سورپرایز معنادار نزولی در تورم می‌تواند این روایت را به چالش بکشد. به بیان ساده، اقتصاد آمریکا قوی‌تر از انتظار ظاهر شده است؛ اما پیامدهای تورمی این قدرت، که اکنون با شوک انرژی ناشی از بحران هرمز تشدید شده، می‌تواند به مشکل اصلی بازارهای مالی تبدیل شود.

چرا طلا یک دارایی راهبردی محسوب می‌شود؟

طلا برای قرن‌ها نقشی فراتر از یک کالای زینتی ایفا کرده و همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های راهبردی در نظام‌های مالی و سرمایه‌گذاری شناخته شده است. در دنیای امروز نیز، با وجود توسعه بازارهای مالی پیچیده و ابزارهای نوین سرمایه‌گذاری، طلا همچنان جایگاه ویژه‌ای در سبد دارایی سرمایه‌گذاران، بانک‌های مرکزی و صندوق‌های بزرگ دارد. دلیل این اهمیت را باید در مجموعه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد طلا جست‌وجو کرد که آن را به یک دارایی استراتژیک بلندمدت تبدیل می‌کند.

نخستین ویژگی مهم طلا، نقش آن به‌عنوان پناهگاه امن در دوره‌های بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی است. در شرایطی که تورم افزایش می‌یابد، بحران‌های مالی بروز می‌کنند یا تنش‌های ژئوپلیتیک تشدید می‌شود، اعتماد به دارایی‌های مالی مبتنی بر بدهی یا ارزهای ملی کاهش می‌یابد. طلا به‌عنوان دارایی‌ای که فاقد ریسک اعتباری است شناخته می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود سرمایه‌گذاران در زمان عدم قطعیت به آن روی بیاورند. تجربه تاریخی نشان داده است که نگهداری طلا در بلندمدت توانسته ارزش خود را حفظ کند و حتی در مقاطع بحرانی، عملکردی بهتر از بسیاری از دارایی‌های مالی داشته باشد.

ویژگی دوم، نقدشوندگی بالای طلا است. بازار جهانی طلا یکی از عمیق‌ترین و فعال‌ترین بازارها در سطح بین‌المللی به‌شمار می‌رود. طلا در تمامی نقاط جهان به‌راحتی قابل خرید و فروش است و در شرایط بحرانی نیز معمولاً تقاضای آن افزایش می‌یابد. این سطح از نقدشوندگی به سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد در مواقع نیاز، بدون تحمل هزینه‌های سنگین یا افت شدید قیمت، دارایی خود را به پول نقد تبدیل کنند. از این منظر، طلا نه تنها ابزار حفظ ارزش، بلکه منبعی برای مدیریت نقدینگی نیز محسوب می‌شود.

سومین عامل کلیدی، نقش طلا در تنوع‌بخشی به پرتفوی سرمایه‌گذاری است. طلا معمولاً همبستگی پایینی با سهام و اوراق قرضه دارد و در بسیاری از دوره‌ها حتی رفتاری معکوس نسبت به آن‌ها نشان می‌دهد. همین ویژگی باعث می‌شود افزودن طلا به سبد دارایی‌ها، ریسک کلی پرتفوی را کاهش دهد و ثبات بازدهی را در بلندمدت افزایش دهد. به بیان دیگر، طلا مکمل طبیعی سهام و اوراق بدهی است و حضور آن می‌تواند عملکرد تعدیل‌شده به ریسک سرمایه‌گذاری را بهبود بخشد.

از سوی دیگر، تنوع منابع تقاضا برای طلا نیز اهمیت راهبردی آن را تقویت می‌کند. طلا نه تنها به‌عنوان یک ابزار سرمایه‌گذاری و دارایی ذخیره‌ای برای بانک‌های مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه در صنعت

جواهرات و بخش فناوری نیز کاربرد دارد. این تنوع تقاضا موجب می‌شود ارزش طلا تنها به یک عامل یا یک بخش اقتصادی وابسته نباشد و در برابر شوک‌های بخشی مقاوم‌تر عمل کند.

در سال‌های اخیر، با افزایش توجه به ملاحظات محیط‌زیستی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG)، نقش طلا در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری مدرن نیز بازتعریف شده است. طلا به‌ویژه زمانی که از منابع معتبر و زنجیره‌های تأمین شفاف استخراج و عرضه می‌شود، می‌تواند به‌عنوان دارایی‌ای با استانداردهای بالای ESG شناخته شود. افزون بر این، طلا می‌تواند به کاهش مواجهه سرمایه‌گذاران با ریسک‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی کمک کند؛ چرا که برخلاف بسیاری از دارایی‌های فیزیکی یا صنعتی، وابستگی مستقیم به زیرساخت‌های آسیب‌پذیر اقلیمی ندارد.

در مجموع، ترکیب بازدهی بلندمدت، تنوع‌بخشی مؤثر و نقدشوندگی بالا باعث شده است طلا جایگاهی متمایز در میان دارایی‌ها داشته باشد. این ویژگی‌ها، در کنار نقش فزاینده طلا در چارچوب سرمایه‌گذاری مسئولانه، آن را به یک دارایی راهبردی واقعی تبدیل می‌کند؛ دارایی‌ای که نه تنها در گذشته ارزش خود را اثبات کرده، بلکه در آینده‌ای پر از عدم قطعیت نیز می‌تواند نقش تثبیت‌کننده و محافظتی مهمی برای سرمایه‌گذاران ایفا کند.



Your Trusted
Forex Broker
for Winning Trades





در هفته های اخیر انس جهانی طلا با رسیدن قیمت به محدوده ۳۹۰۰ دلاری خود توانست با تقاضای خوبی همراه شود و تا حوالی ۴۷۰۰ دلار رشد خوبی داشته باشد.

در حال حاضر بنظر میرسد این لگ صعودی شاخه ای واسط در حکم موج f و یا x برای تکمیل اصلاح در درجات بالاتر باشد که شاخه پتانسیل رشد تا محدوده ۴۹۴۰ دلاری را دارد.

روند صعودی با مومنتوم خوبی همراه شده ، باید دید طلا از پس مقاومت های پیش رو برمی آید یا خیر. روند اخیر طلا نشان داده میل به اصلاحات عمیق و بلند مدت ندارد باید دید این بار به چه نحوی روند قیمتی را شاهد خواهیم بود.



انس جهانی نقره در فرمی کانالیزه و منظم در حال تکمیل اصلاح تایم بالاتر خود است. میتوان فرم سیمتریكال را برای این اصلاح درنظر گرفت که اکنون درون موج D فرضی قرار گرفته ایم. این شاخه پتانسیل رشد تا حوالی ۷۵ الی ۸۰ دلار را خواهد داشت. پس از تکمیل این شاخه انتظار ریزش قیمت به محدوده های ۵۰ دلاری را داریم.



در پوند انگلستان با یک فرم دیامتریک به شکل الماسی روبرو هستیم که شاخه ی میانی روند صعودی درجه بالاتر ما محسوب میشود.

باید توجه داشت که هنوز تا تکمیل این الگو زمان زیادی باقی مانده و پوند میتواند برای مدتی در همین حوالی نوسان قیمتی داشته باشد.

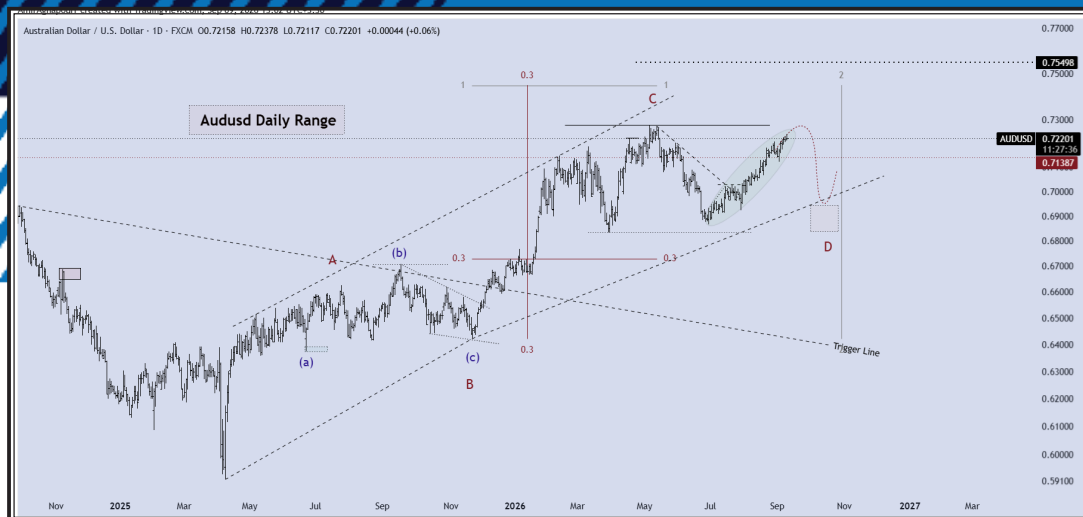
انتظار داریم با تکمیل شاخه □ فرضی قیمت تا حوالی ۱,۳۲ مسیر نزولی خود را دنبال کند.



یورو به دلار کانادا در فرمی کانالیزه و پایدار در حال طی کردن مسیری صعودی در امواج درجات بالاتر قرار دارد.

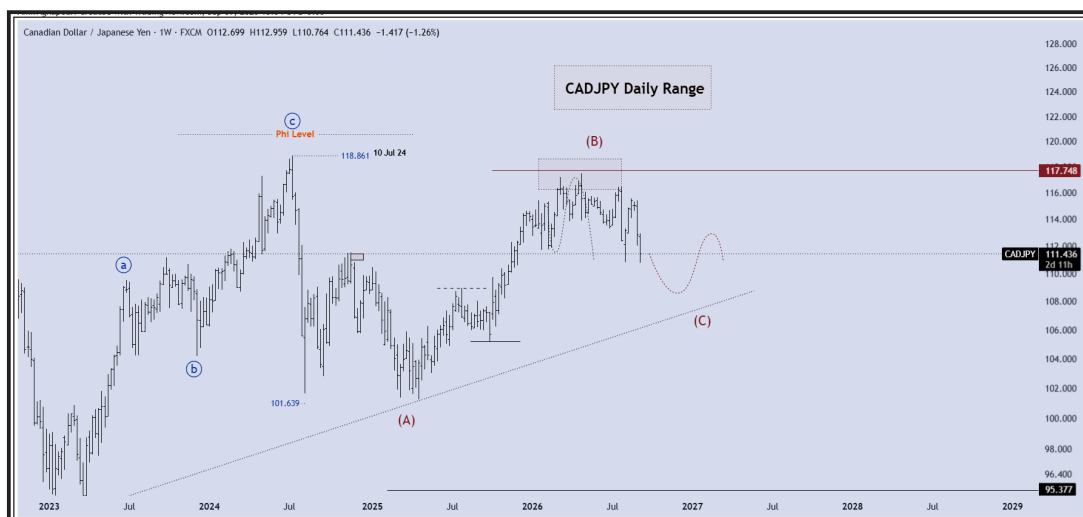
در حال حاضر قیمت در فرمی همگرا در حال طی کردن ظرف زمانی اصلاح خود قرار گرفته

انتظار میرود با شکستن ضلع بالایی این فرم واگرا قیمت شاخه صعودی خود را تا حوالی ۱,۶۴۶ دنبال کند.



اوزی در فرمی کانالیزه در مسیری صعودی قرار گرفته و در حال حاضر قیمت در حوالی سقف پیشین قرار دارد.

انتظار داریم در همین حوالی قیمت وارد اصلاح نزولی خود در جهت تکمیل موج D فرضی حوالی کف شاخه آخر در محدوده ۰,۶۸۸ واحدی شود.



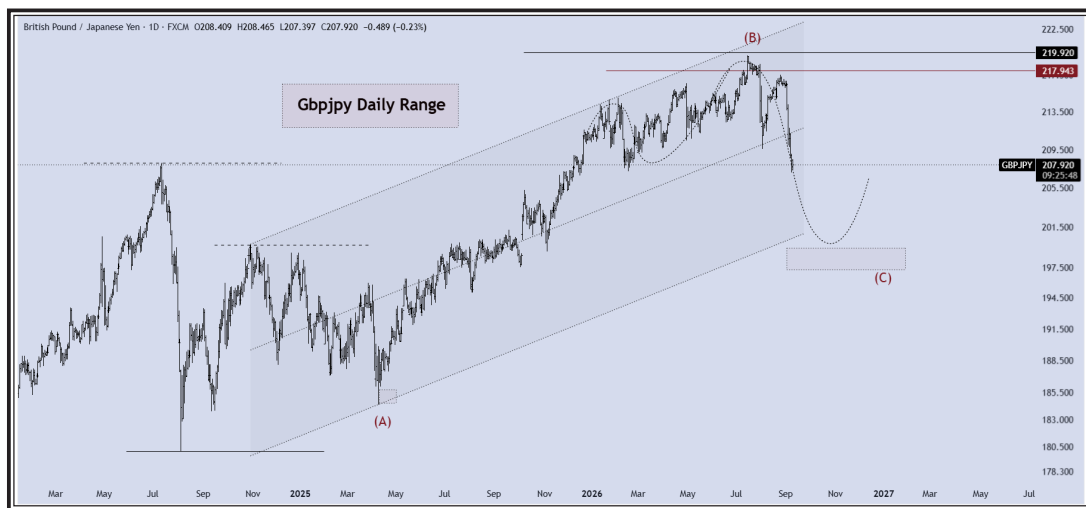
دلار کانادا به یین ژاپن با برخورد به سطح ۱۱۷ واحدی تحلیل قبل واکنش بسیار خوبی را از خود نشان داده و وارد اصلاح قیمتی شده.

انتظار داریم این اصلاح در قالب موج C تا محدوده ۱۰۹ واحدی ادامه داشته باشد.



در یورو به دلار آمریکا به نظر میرسد در فرمی کانتر و با تشابهات زمانی خوب در پیووت ها وارد شاخه E نزولی خواهیم شد که پتانسیل اصلاح قیمتی تا حوالی ۱,۳۶ را خواهد داشت.

این اصلاح همچنان از منظر زمانی نیاز به تایم بیشتری خواهد داشت.



در پوند به ین ژاپن محدوده ۲۱۷ الی ۲۱۹ واحدی که در نشریه قبل اشاره شده بود به خوبی موثر واقع شده و قیمت را توانست وارد اصلاح قیمتی کند.

در حال حاضر انتظار داریم روند اصلاحی تا حوالی ۲۰۲ در گام اول و در گام بعدی تا حوالی ۱۹۹ واحدی ادامه داشته باشد.



XAUUSD هفتگی



در تایم فریم هفتگی طلا، همان طور که در تحلیل قبلی پیش بینی کرده بودیم، موج ۳ با حرکتی پارابولیک ادامه یافت و دقیقاً در محدوده زمانی قیمتی مورد نظرمان (حوالی ۵ ژوئن ۲۰۲۶ و نسبت ۲.۶۱۸) به اتمام رسید. اکنون وارد فاز اصلاحی موج ۴ شده ایم؛ نزول هم زمان اسیلاتورهای MAOSC در هر سه تایم فریم، تاییدی روشن بر پایان موج ۳ و شروع اصلاح است. از منظر ما این

اصلاح می تواند تا محدوده حمایتی ۳۸۰۰ ادامه پیدا کند. با تکمیل این اصلاح، انتظار شکل گیری موج ۵ صعودی نهایی را داریم.

XAUUSD روزانه



در تایم فریم روزانه طلا، همان طور که انتظارش را داشتیم، پس از تکمیل موج ۵ آبی (و در ادامه، تکمیل موج ۳ سبز)، بازار وارد فاز اصلاحی موج ۴ سبز شد. این اصلاح به صورت یک ساختار پیچیده و چندموجی (ABCDE) ظاهر شد و اونس از سقف حوالی ۵۶۰۰ دلار بیش از ۱۰۰۰ دلار افت کرد؛ دقیقاً همان ریزش شدیدی که در تحلیل قبلی به آن اشاره کرده بودیم. اکنون قیمت در محدوده پایانی موج E

قرار دارد و به نظر می رسد موج ۴ در حال تکمیل شدن است؛ افت مومنتوم نزولی در اسیلاتورهای MAOSC نیز هم راستا با این برداشت است. با فرض تکمیل این اصلاح، سناریوی اصلی ما شکل گیری موج ۵ سبز و ادامه روند صعودی اصلی خواهد بود، هرچند احتمال تشکیل یک کف پایین تر از کف فعلی را هم منتفی نمی دانیم؛ در هر صورت معامله گران از فرصت های خرید بهینه در این محدوده چشم پوشی نخواهند کرد.

XAGUSD هفتگی

در تایم فریم هفتگی نقره، پس از پایان موج ۵ پارابولیک در محدوده ۱۱۰ دلار، همان طور که انتظارش را داشتیم بازار وارد فاز اصلاحی شد و اصلاحی شدید و شوک آور را تجربه کرد که منجر به لیکوئید شدن حجم زیادی از پوزیشن های معامله گران گردید. این اصلاح در قالب یک ساختار ABC ظاهر شده و

قیمت دقیقاً در محدوده حمایتی ۶۳.۸۵ دلار (سطح فیبوی ریتریسمنت ۰.۶۱۸) واکنش نشان داده است؛ افت مومنتوم در هر سه اسیلاتور MAOSC نیز نشانه ای از تخلیه فشار فروش در این ناحیه است. دیدگاه ما این است که کف اصلی این اصلاح همین محدوده ۶۳.۸۵ دلار بوده و شکل گیری آن بیشتر مسئله ای زمانی است تا قیمتی؛ یعنی حتی در صورت نوسان بیشتر، بازار را همچنان در فاز تثبیت و آماده سازی برای ادامه روند صعودی اصلی می بینیم.

XAGUSD روزانه

در تایم فریم روزانه نقره، همان طور که در تحلیل قبلی پیش بینی کرده بودیم، موج A در همان کانال مورد انتظار به پایان رسید و بازار وارد فاز B شد. سپس در کف کانال ترسیمی موج C شکل گرفت. قیمت همچنان در محدوده حمایتی ۵۷.۳۰ دلار (فیبوی ریتریسمنت ۰.۶۱۸) نوسان می کند؛ رفتار درهم و بی جهت اسیلاتورهای MAOSC در این بازه نیز نشانه ای از فاز اصلاحی و نبود مومنتوم یک طرفه است.

طبق دیدگاه محافظه کارانه ای که پیش تر مطرح شد بر این باوریم که کف اصلی این اصلاح شکل گرفته است و نقره آماده ادامه روند صعودی بلندمدت خود می باشد.



DOW روزانه



در تایم فریم روزانه داوجونز، با بررسی مجدد ساختار قیمتی، شمارش موج‌ها بازنگری شد و اکنون سقف اخیر (حوالی ۵۲۲۹۲) را پایان موج ۳ می‌دانیم، نه موج ۵. بر این اساس، حرکت نزولی فعلی را آغاز موج ۴ اصلاحی تفسیر می‌کنیم که در همان کانال صعودی اصلی در حال شکل‌گیری است؛ کاهش مومنتوم در اسیلاتورهای MAOSC نیز همسو با ورود بازار به فاز اصلاحی است.

DAX روزانه



در تایم فریم روزانه دکس، همان‌طور که در تحلیل قبلی اشاره شد، موج ۴ اصلاحی در قالب یک ساختار پیچیده ABCDE به پایان رسید؛ معامله‌گرانی که طبق پیشنهاد

ما در آن محدوده وارد پوزیشن خرید شده بودند، از این ناحیه سود خوبی کسب کرده‌اند. پس از تکمیل موج ۴، بازار وارد موج ۵ نهایی شد و اکنون قیمت به محدوده بالایی چنگال و نزدیکی سطح ۲۶۳۱۹ (اپای ۱.۶۱۸) واکنش نشان داده است؛ با توجه به این که قیمت اکنون در محدوده اپریمیت چنگال قرار دارد، همچنان توصیه ما کاهش حجم پوزیشن‌های خرید باقی‌مانده در این ناحیه است، چراکه احتمال شکل‌گیری یک اصلاح بزرگ‌تر پس از تکمیل این موج ۵ وجود دارد.

BTC هفتگی

در تایم فریم هفتگی بیت کوین، همان طور که در تحلیل قبلی اشاره شد، موج A از اصلاح ۳ موجی دقیقاً در محدوده ۵۷۵۲۹ دلار (فیبوی ریتریسمنت ۰.۶۱۸) به پایان رسید و بازار وارد فاز موج B شد. این موج B در قالب یک ساختار زیگزاگ (a-b-c) شکل گرفت و تا محدوده مقاومتی ۸۵۰۰۵ دلار (فیبوی ریتریسمنت ۰.۳۸۲) پیش رفت، دقیقاً همان سطحی که پیش تر به عنوان هدف این اصلاح صعودی مطرح کرده بودیم. اکنون قیمت از این محدوده واکنش نزولی نشان داده و به نظر می رسد موج B به پایان رسیده یا در حال تکمیل است.



WTI روزانه

در تایم فریم روزانه نفت، همان طور که در تحلیل قبلی اشاره شد، سناریوی دوم (شکسته شدن پر قدرت سقف کانال نزولی و آغاز موج صعودی) به طور کامل تایید شد و قیمت از محدوده حمایتی حوالی ۶۸ دلار، همان طور که توصیه خرید داده بودیم، رشد قدرتمندی را تجربه کرد و تا محدوده ۱۰۱ دلار پیش رفت. با توجه به رشد قوی مومنتوم در اسیلاتورهای MAOSC طی این حرکت، همچنان دیدگاه صعودی خود را حفظ می کنیم و معتقدیم موج بعدی ۳ یا C می تواند این محدوده مقاومتی ۱۰۱ دلار را نیز بشکند.



WHEAT روزانه

در تایم فریم روزانه گندم، همان طور که در تحلیل قبلی پیش بینی شد، قیمت از محدوده کف کانال و لیبیل B آبی رنگ واکنش صعودی نشان داد و آن ناحیه دقیقاً همان محدوده امن خرید تعریف شده عمل کرد. از آن نقطه، گندم یک حرکت صعودی قدرتمند و ۵ موجی را آغاز کرده که هم اکنون در موج C از ساختار اصلاحی بزرگ تر قرار دارد. همان طور که پیش تر اشاره شد،

شکسته شدن سقف کانال اهمیت زیادی دارد؛ عبور قدرتمند از این سقف نشانه ای از تغییر ساختار بزرگ تر گندم می باشد.

COCOA هفتگی



در تایم فریم هفتگی کاکائو، برخلاف انتظار اولیه مبنی بر پایان موج ۴ اصلاحی، ریزش قیمت با شتاب بسیار بالایی ادامه یافت و استاپ هجی که در زیر کف شکل گرفته پیشنهاد داده بودیم فعال شد؛ این موضوع نشان می دهد آنچه پیش تر موج ۴ تفسیر می شد، در واقع بخشی از یک ساختار نزولی بزرگ تر و به احتمال زیاد یک الگوی ۱-۲-۳-۴-۵ بوده است. اکنون قیمت با شتاب زیادی به محدوده حمایتی قرمز رنگ (۲۹۷۳ دلار) نزدیک شده که همان سطحی است که در صورت شکست آن، فرضیه ۱۲۳ بودن ساختار ریزش (یعنی اصلاحی بودن صرف این افت) به طور کامل رد خواهد شد.

PM هفتگی



در تایم فریم هفتگی فیلیپ موریس (PM)، همان طور که در ششمین شماره ماهنامه CYCFX پیش بینی شده بود، موج ۴ اصلاحی در محدوده حمایتی مورد نظر به پایان رسید و سهم وارد فاز صعودی موج ۵ شد. قیمت دقیقاً به محدوده هدف ۲۰۴.۵۶ دلار (سطح اپلای ۱.۶۱۸) رسید و پس از برخورد با این ناحیه، ساختار موج ۵ به صورت یک زیرموج پیچیده (a-b-c-d-e) ظاهر شده و اکنون نشانه‌هایی از واکنش نزولی از سقف را نشان می‌دهد.



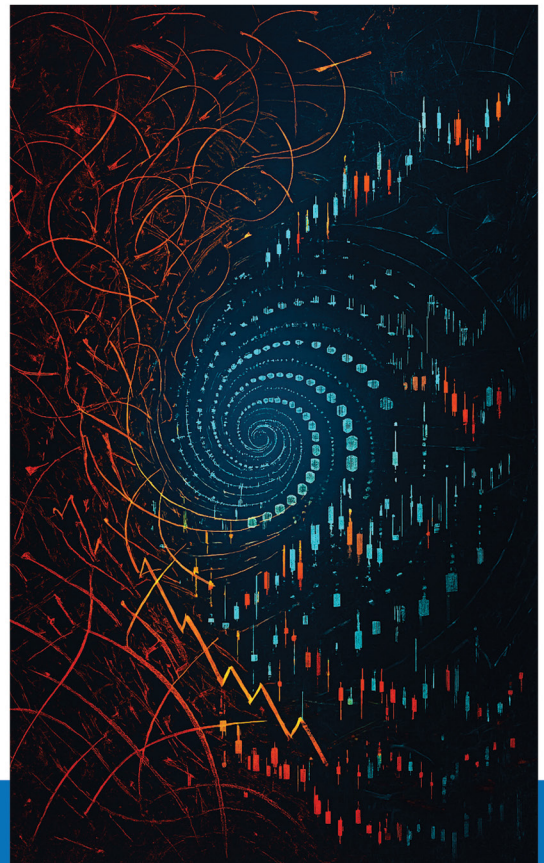
ارتباط با ما

 CYCFX.COM

 CYCLICALWAVES

 CWEDU

کشف نظم، میان آشوب‌ها...



جهت دریافت نسخه چاپی
درخواست خود را ثبت کنید.